

حاشیه
الرحمن الرحیم



دانشگاه مازندران
دانشکده فقه و حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته فقه و حقوق گرایش فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی

جرم انگاری عدم پرداخت مالیات از منظر فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران

نگارش:

مصطفی حیدری

استاد راهنما:

دکتر مهدی رهبر

استاد مشاور:

دکتر حامد رستمی نجف آبادی

تیرماه ۱۴۰۲

بسمتعالی

دانشگاه مذاهب اسلامی

تعهدنامه اصالت پایان نامه / رساله



اینجانب **مصطفی حیدری** دانشجوی رشته فقه و حقوق گرایش فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی مقطع تحصیلی **کارشناسی ارشد** بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / رساله تحصیلی خود، با عنوان **جرم انگاری عدم پرداخت مالیات از منظر فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران** را تأیید

کرده، اعلام می‌نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی و خارجی نبوده و هر گونه بهره گیری از منابع، درپاورقی و منابع و ماخذ بیان گردیده است. تعهد می‌نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد آن در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت‌ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: **مصطفی**

حیدری

امضاء و تاریخ

تقدیم:

پدر و مادر عزیزم که در طول سالیان متمادی زندگی خویش همواره از حمایت و همراهیشان برخوردار بوده‌ام، و لحظه‌ای نبوده است که از بودن در کنار من خسته و آزرده شوند، و هنوز همانند سالیان دور و دراز گذشته این همراهی و هم‌نوایی خویش ادامه می‌دهند، و به سان هوایی خوش و مطبوع جان مرا به دم تازه و خرم می‌سازند.

و به جناب استاد حیدر الماسی، که از خرمن علم و دانش ایشان بهره‌مند و برخوردار بوده‌ام.

و به جناب ماموستا محمد طهماسبی، که مرا از جلوه‌ها و جوانب خاصی از علم و دین آشنا ساختند.

تقدیر:

جناب آقای استاد دکتر مهدی رهبر،

به پاس رهنمودها و بردباری‌های فراوان خود در دوران آموزش و دفاع از این پایان‌نامه که

طی آن به صور و انحای مختلف از خرمن علم و دانش ایشان بهره‌مند و برخوردار شدم

جناب آقای دکتر حامد رستمی،

به احترام آنکه پذیرفت در مسیر راهنما و مشاور نگارنده باشد

چکیده:

امروزه مالیات به یکی از مهم ترین ابزارهای دولت ها برای تأمین هزینه های جاری و سرمایه گذاری های کلی و کلان آنها بدل شده است. به طوری که از طریق دریافت مالیات می توانند علاوه بر تنظیم چرخه نظام اجرایی کشور به برنامه ریزی برای نسل های آینده، و اجرای طرح های زیربنایی در حوزه های مختلف بپردازند. فرار مالیاتی با صور و انحای مختلف یکی از بزرگ ترین موانع حرکت روان این چرخ به شمار می رود که از طرق مختلف موجب ایجاد اختلال در نظام اسلامی، ناکارآمد ساختن حکومت اسلامی، و از سوی دیگر، ظهور مفسد اقتصادی و رانت خواری و انباشت ثروت در دست برخی و ایجاد فشار بر دوش برخی دیگر می گردد، و به این ترتیب موجب برهم زدن نظم عمومی، اختلال در قوانین موضوعه گردد. در پژوهش حاضر ضمن بررسی این گونه مفاهیم، براساس روش تحلیلی توصیفی تلاش شده است تا اثبات گردد که پرداخت مالیات در نظام اسلامی امری واجب است و عدم تأدیه آن جرم به شمار می رود، مجازات های مربوط به عدم تأدیه مالیات در سطوح مختلف قابل اجرا هستند، و ادله فقهی حقوقی جرم انگاری مجازات های مالیاتی تا حد فراوانی نظام مالیاتی حاکم بر جهان کنونی را پوشش می دهند.

کلیدواژه ها: مالیات، فرار مالیاتی، جرم، منبع مالی، تعهد مالیاتی.

فهرست مطالب

فصل یکم: کلیات و مفاهیم.....	۱۰
۱-۱ مقدمه.....	۱۱
۲-۱ تبیین مسأله.....	۱۴
۳-۱ ضرورت و اهمیت تحقیق.....	۲۲
۴-۱ اهداف انجام تحقیق.....	۲۳
۵-۱ سؤال‌های تحقیق.....	۲۳
۵-۱-۱ سؤال اصلی.....	۲۳
۵-۱-۲ سؤال فرعی.....	۲۳
۶-۱ فرضیه‌های تحقیق.....	۲۳
۶-۱-۱ فرضیه‌های تحقیق.....	۲۳
۶-۱-۲ فرضیه‌های فرعی.....	۲۳
۷-۱ پیشینه تحقیق.....	۲۴
۷-۱-۱ الخراج: اثر ابویوسف.....	۲۴
۷-۱-۲ الخراج: یحیی بن آدم بن سلیمان قرشی.....	۲۵
۷-۱-۳ الأموال: ابو عبید.....	۲۷
۷-۱-۴ الخراج و صناعة الکتابه اثر ابوالفرج قدامه بن جعفر.....	۲۸
۷-۱-۵ الخراجات.....	۲۹
۸-۱ نوآوری تحقیق.....	۳۰
۹-۱ کاربرد یا کاربردهای تحقیق.....	۳۰
۱۰-۱ روش تحقیق.....	۳۱
۱۱-۱ ساختار تحقیق.....	۳۱
۱۲-۱ مفاهیم.....	۳۲
۱۲-۱-۱ مالیات.....	۳۲
۱۲-۱-۲ واژگان و اصطلاحات هم‌معنی و هم‌راستا با مالیات.....	۳۸
۱۲-۱-۲-۱ زکات.....	۳۸
۱۲-۱-۲-۲ خمس.....	۴۰
۱۲-۱-۲-۳ جزیه.....	۴۲
۱۲-۱-۲-۴ خراج.....	۴۵
۱۳-۱ واژه‌شناسی جرم.....	۴۷

۴۹.....	۱۴-۱ جریمه.....
۵۰.....	۱۵-۱ حقوق مربوط به مال و دارایی.....
۵۲.....	۱۶-۱ ۱- قرآن.....
۵۲.....	۱۶-۱ ۲- سنت.....
۵۵.....	۱۷-۱ شرایط وضع وضع مالیات.....
۵۵.....	۱۷-۱ ۱- وجود نیازهای واقعی و ضروری برای وضع مالیات.....
۵۷.....	۱۷-۱ ۲- رعایت انصاف و عدالت در وضع مالیات.....
۵۹.....	۱۷-۱ ۳- هزینه کرد درآمدهای مالیاتی در جهت منافع عمومی.....
۶۰.....	۱۸-۱ جرم‌انگاری و مراحل آن.....
۶۳.....	۱۹-۱ جرم و جرم‌انگاری در حقوق کیفری اسلام.....
۶۶.....	۲۰-۱ فرار مالیاتی.....
۶۷.....	۲۱-۱ مشروعیت وضع مالیات با توجه به بحران اقتصادی و نیازهای مردم.....
۷۲.....	۲۱-۱ انواع مالکیت مال.....
۷۸.....	فصل دوم: جرم‌انگاری عدم پرداخت مالیات از منظر فقه مذاهب اسلامی.....
۷۹.....	۱-۲-۱ علل و اشکال فرار مالیاتی.....
۷۹.....	۲-۲-۱ دلایل ذهنی مربوط به مؤدی.....
۷۹.....	۲-۲-۱ ۱- اعتقاد دینی به غیرقانونی بودن مالیات.....
۸۰.....	۲-۲-۱ ۲- تخصیص نادرست هزینه های عمومی.....
۸۰.....	۲-۲-۱ ۳- وضعیت مالی مؤدی.....
۸۰.....	۲-۲-۱ ۴- سطح ضعیف اخلاقی.....
۸۰.....	۲-۲-۲ دلایل عینی.....
۸۰.....	۲-۲-۲ ۱- دلایل مربوط به نظام مالیاتی.....
۸۱.....	۲-۲-۲ ۱- ۱- بار مالیاتی سنگین.....
۸۱.....	۲-۲-۲ ۲- پیچیدگی سیستم مالیاتی.....
۸۱.....	۲-۲-۲ ۳- ضعف مجازات اعمال شده برای فرار مالیاتی.....
۸۱.....	۲-۲-۲ ۴- بی ثباتی قوانین مالیاتی.....
۸۱.....	۲-۲-۲ ۵- ضعف کنترل مالیاتی.....
۸۲.....	۳-۲ دلایل مربوط به امور مالیاتی.....
۸۲.....	۴-۲ اشکال فرار مالیاتی.....
۸۴.....	۵-۲ جرم‌انگاری فرار مالیاتی از منظر فقه مذاهب اسلامی.....
۸۷.....	۶-۲ حکم حکومتی.....

۷-۲	ادله فقهی ناظر بر وجوب اخذ مالیات و جرم‌انگاری عدم پرداخت آن.....	۹۰
۷-۲ - ۱	قاعده فقهی من له الغنم فعلیه الغرم.....	۹۱
۷-۲ - ۲	قاعده لزوم تعاون در خیرات.....	۹۲
۷-۲ - ۳	قاعده لاضرر.....	۹۴
۷-۲ - ۴	اختلال نظام اسلامی.....	۹۷
۷-۲ - ۵	ناکارآمدی حکومت اسلامی.....	۱۰۱
۷-۲ - ۶	ظهور مفاسد اقتصادی و رانت خواری.....	۱۰۷
فصل سوم: جرم‌انگاری عدم پرداخت مالیات از منظر حقوق ایران.....		
۱-۳	مستندات حقوقی جرم‌انگاری عدم پرداخت مالیات.....	۱۱۳
۱-۳ - ۱	اختلال در نظم عمومی.....	۱۱۳
۱-۳ - ۲	قوانین موضوعه مالیاتی.....	۱۱۷
۱-۳ - ۳	اختلال در نظام اقتصادی کشور.....	۱۲۳
نتایج و پیشنهادها.....		
منابع و مآخذ.....		
۱۳۴		

فصل یکم:

کلیات و مفاهیم

مال و دارایی پایه اساسی اجتماع و رگ حیات انسانی و زینت آن است. چنان که خداوند متعال فرموده است: **تَالْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**^۱ مال و فرزندان زیور زندگانی دنیا هستند،^۲ و همه مصالح بشری بر اساس آن مبتنی می گردند، مردم به وسیله آن تمایلات حیاتی خویش را ارضا می کنند، و انسان از طریق آن در حال حیات و مرگ، خوشبخت یا بدبخت می گردد. به طوری که خداوند متعال فرموده است: **تَفَأْ مَا مَنَ أُعْطِيَ وَأَتَّقِ ۝ وَصَدَّقْ بِالْخُسْرَى ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى ۝ وَأَمَّا مَن بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ۝ وَكَذَّبَ بِالْخُسْرَى ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى ۝ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى**^۳ اما آن کس که بخشش کند و تقوا بورزد. * و به نیکو باور داشته باشد. * پس او را برای آسان ترین مهیا می سازیم. * اما آن کس که زفتی کرد و خود را بی نیاز دانست. * و نیکو تکذیب کرد. * پس او را برای دشوارترین مهیا می کنیم. * و مالش سودی به حال او نخواهد داشت آنگاه نگویند.Σ

مال و دارایی عامل اصلی جهت گیری سیاست داخلی و خارجی در طول تاریخ جوامع بشری بوده است و حیات نوع انسانی و بقای او، به طور مطلق، بر اساس آن مبتنی است نکته به همین خاطر «حفظ مصلحت ضرورت مال و دارایی» واجب گشته است؛ چرا که «اگر مال و دارایی از بین برود، حیاتی باقی نمی ماند ... و بقایی وجود نخواهد داشت».^۴

به همین خاطر از جمله امور مقرر در نزد علمای مسلمان آن است که «حفظ اموال از جمله

۱. سوره ی کهف، آیه ی ۴۶.

۲. سوره ی لیل، آیه ی ۵-۱۱.

۳. الشاطبی، ابی إسحاق إبراهیم بن موسی بن محمد اللخمی الشاطبی (۱۴۰۸ هـ)، الاعتصام، بیروت، لبنان، دار المعرفة، ۱۴/۲.

قواعد کلی شریعت، راجع به بخش ضروری است.^۱ در مطالب ذیل این مطلب تبیین می‌شود و در آغاز ماهیت مال و دارایی مشخص می‌گردد.

در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه کشورهایی که منابع و ثروت طبیعی و صنعتی محدودی دارند، مالیات وسیله اصلی و مهم در دستیابی به اهداف دولت بوده و هست. به طوری که وجوه حاصل از مالیات به تأمین مالی مخارج دولتی برای همه بخش‌ها از قبیل بهداشت، آموزش و سایر خدمات، ارتقای سطح زیرساخت‌ها و تقویت آن، احیای سیاست‌های اقتصادی مانند حمایت از برخی کالاها، بخش‌ها یا فعالیت‌های اقتصادی یا بهبود آن، برنامه‌های رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی و بیمه، ایجاد فرصت‌های شغلی و رسیدگی به بحران، و ... کمک می‌کند.

از این نظر، مالیات اولین و مهمترین منبع مالی درآمدهایی است که دولت می‌تواند هزینه‌های عمومی خود را از طریق آن تأمین کند^۲ و به شکل «کسر نقدی تحمیل شده و اخذ شده توسط مقامات دولتی از طریق اجبار، و هدف آن پوشش بارهای عمومی و اجرای اهداف اقتصادی و اجتماعی دولت و توزیع آن بارها در بین شهروندان بر اساس توانایی هایشان است».^۳ مالیات ابزار مرکزی دولت در توزیع کمک‌های عمومی بین شهروندان در چارچوب یک اقدام اجباری است. مالیات‌ها عموماً با محافظت از اقتصاد در برابر تورم و کاهش تورم به دستیابی به ثبات اقتصادی کمک می‌کنند و همچنین برای محافظت از تولید ملی در برابر رقابت خارجی و بهبود نرخ رشد نیز به عنوان ابزاری برای رفع نابرابری‌های اجتماعی و توزیع مجدد درآمد و ثروت بین گروه‌های مختلف جامعه استفاده می‌شوند.

اما آنچه از اهمیت مالیات می‌کاهد و موجودیت آن را تهدید می‌کند، کلاهبرداری مؤدی

۱. بن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر التونسی (ت ۱۳۹۳هـ) (۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۴م)، مقاصد الشریعة الإسلامية، تحقیق: محمد الحبيب ابن الخوجة، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، ص ۳۳۶.

۲. بلخال، عبدالفتاح: (۲۰۰۵)، علم المالية العامة والمشاريع الضريبية، مطبعة فضالة، المحمدية، ص ۱۰۸.

۳. الزماني، أناس بن صالح (۲۰۰۲)، المالية العامة والسياسة المالية، مراکش، نشر البديع، ص ۲۳۱.

است، یعنی فرار مؤدی از تکالیف مالیاتی که بر اساس قانون وضع شده است، چرا که این فرار آثار بدی را به دنبال دارد، چه از نظر مالیات ناچیز. عواید حاصله یا از نظر توزیع عادلانه بار مالیاتی آن گونه که سیاست گذاران مالیاتی در نظر گرفته اند. اگر بار برای کسانی که به طور کامل تعهدات مالیاتی خود را انجام داده اند افزایش یابد، در حالی که این بار نسبت به کسانی که توانسته اند از این تعهدات مالیاتی طفره روند کاهش یا کم رنگ شود.^۱

گفته شد که مالیات در جهان جدید و در طول تاریخ نیز یکی از مهمترین منابع خزانه داری عمومی است و در نتیجه اهمیت اقتصادی آن نقش مهمی را ایفا می کند و به همین دلیل عدم تمکین مودیان به پرداخت آن و تلاش آنها برای فرار از عملکرد آنها است. مهم نیست که این فرار به چه شکلی باشد. خسارات قابل توجهی را به دنبال دارد که تنها محدود به کاهش درآمدهای دولت و در نتیجه عدم تعادل در سیاست های اقتصادی دنبال شده و عدم تکمیل پروژه های اقتصادی برنامه ریزی شده نیست.

فرار مالیاتی به معنای رفتاری است که از طریق آن مؤدی قانونی سعی می کند مالیات متعلق به خود را به طور کلی یا جزئی پرداخت نکند، زیرا می بیند که باری بر دوش او است، بنابراین با خلاص شدن از شر آن یا انتقال آن در برابر آن مقاومت می کند. بار دیگری را تحمیل می کند و این بدان معناست که فرار شامل کلیه جابه جایی های مادی و عملیات حسابداری و اقدامات قضایی متعهد به فرار از پرداخت مالیات می شود.

با توجه به این تعریف، می بینیم که پدیده فرار مالیاتی بسیار قدیمی است، زیرا وجود آن با وجود خود مالیات همراه بود و یک پدیده جهانی است. به طوری که آن را در همه کشورهای در سطوح مختلف اقتصادی و جهت گیری های سیاسی می بینیم..

این پدیده ابتدا در سطح ملی پدید آمد، بنابراین قوانین داخلی اولین باری بود که متوجه خطر آن برای اقتصاد ملی شد، زیرا مالیات یکی از مهمترین منابع درآمد عمومی برای دولت است که به آن کمک می کند بسیاری از مشکلات اقتصادی را برطرف کند که ممکن است هر

۱. البطریق، یونس و سلامه، رمز و عبد العزیز، سعید (۱۹۹۴)، المالیه العامه، بی جا، ص ۲۹۳.

از گاهی در معرض آن قرار گیرد. تحقیق حاضر نیز در قالب قوانین ملی و فقه مذاهب اسلامی متبلور شده و هدف از آن بسته شدن خروجی هایی است که مؤدی از طریق آن سعی می کند از پرداخت مالیات فرار کند یا بار آن را با وضع جریمه ها یا مجازات های کیفری یا اداری برای رفع این پدیده کاهش دهد.

۱-۲ تبیین مسأله

فرار مالیاتی را به زبان ساده می توان به عنوان استفاده از ابزارهای غیرقانونی برای اجتناب از پرداخت مالیات تعریف کرد و این روش ها معمولاً شامل فریب یا ارائه اطلاعات نادرست در درآمد یک فرد یا شرکت در خدمات درآمد داخلی است. پول و منافع آن کاملاً در حساب هایی خارج از حساب اعلام شده به مرکز مالیات یا حتی خارج از کشور محل کسب درآمد است و ممکن است پس از احراز عمدی بودن عدم پرداخت مالیات و به دلایلی برای فرار از قوانین وضع شده، علیه افرادی که در این پروژه های غیرقانونی دخیل بوده اند، جرایم جنایی و مجازات های سنگینی در نظر گرفته شود و در مواردی نیز ممکن است اتهامات پولشویی علیه اشخاصی مطرح شود که ادعا می کنند این پول از منابع قانونی است و نمی توان آن را به عنوان مالیات پرداخت کرد.

تعاریف زیادی از فرار مالیاتی ارائه شده است و در این زمینه بین محققان حقوقی و اقتصادی اختلاف نظر وجود دارد. همان گونه که حقوقدانان بر جنبه قانونی فرار مالیاتی در صورت مشروع یا غیرقانونی بودن روش های مورد استفاده تاکید می کنند و انواع آن را تشخیص می دهند، اقتصاددانان تفاوتی بین انواع فرار مالیاتی نمی یابند و تأیید می کنند که اثرات اقتصادی یکسانی دارند.

مقابله با مشکل فرار مالیاتی به تبع شناسایی دلایلی است که منجر به این فرار می شود و نیز شناخت روش ها و ابزارهای مورد استفاده در آن و نیز شناسایی ابزارها و روش هایی که باید برای انجام آن رعایت شود که به صورت خلاصه عبارتند از: مبارزه با فرار مالیاتی و اعمال

محدودیت‌ها و قوانین بازدارنده و سختگیرانه برای مبارزه با این پدیده فراگیر. موضوع فرار مالیاتی یک بحث گسترده و در نتیجه نیازمند یک مطالعه حقوقی، جامعه‌شناختی، و... است که در بطن و متن خود باید به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

دلایل این پدیده چیست؟

آیا این دلایل ناشی از عدم تعادل در سیستم مالیاتی هستند؟

یا فشار مالیاتی بالا است؟

آشکال این فرار چیست؟ و پیامدهای آن چیست؟

چگونه می‌توان آن را کاهش داد؟

در این پژوهش سعی می‌شود در کنار مباحث اصلی به این سؤالات نیز پرداخته می‌شود و در ابتدا باید به علل و آثار فرار مالیاتی پرداخت و سپس به راه‌ها و روش‌های مبارزه با فرار مالیاتی توجه نمود.

با این همه برای بیان فرار مالیاتی در جامعه و دولت اسلامی باید ابتدا چند نکته‌ی مهم را محرز ساخت تا بتوان در باب جرم‌انگاری فرار مالیاتی سخن به میان آورد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: اثبات اخذ مالیات بر اساس آیین اسلام، و اثبات جایگاه مستقل مالیات از زکات و سایر حقوق مالی دینی. لذا ابتدا این دو موضوع ذکر می‌شود و پس از آن به جرم‌انگاری فرار مالیاتی و میزان تأثیر و حتی علل و عوامل آن پرداخته می‌شود.

با توجه به اهداف متنوع و بسیار گوناگون اقتصاد اسلامی در مقایسه با مکتب‌های دیگر، طبیعی است که دولت جهت تأمین مخارج خود به وجوه مختلفی نیاز داشته باشد. بنابراین مالیات‌های اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مالی مخارج دولت از اهمیت خاصی برخوردار است. در نظام اسلامی نیز خداوند متعال برای حکومت و اداره حکومت اسلامی منبع مالی قرار داده است که این منابع مالی همان مالیات‌های شرعی و اسلامی است تا حکومت اسلامی با اخذ آن از مردم آن را به مصرف اداره جامعه و پیشرفت و توسعه کشور اسلامی برساند. اسلام برای توزیع مجدد درآمدها و ثروت‌ها دو نوع سیاست را اندیشیده است: سیاست‌های تکلیفی و سیاست‌های تشویقی. سیاست‌های تکلیفی شامل خمس،

زکات مال، زکات بدن (فطریه)، کفاره‌های مالی (جریمه‌های شرعی برای تلفاتی مانند شکستن نذر و قسم، خوردن روزه ماه مبارک رمضان و ارتکاب برخی محرمات احرام در حج). علاوه بر این اسلام مردم را به صرف کردن اموال در راه خدا و کارهای خیر، به ویژه تأمین نیازمندان، تشویق کرده است.^۱

بر این اساس دیده می‌شود که مالیات دارای اصول و مبانی خاصی است که اخذ و مصرف آن را موجه و منطقی می‌گرداند. منظور از «اصول مالیاتی»، موازین و قواعد عامی است که باید در درجه اول، هادی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران قرار گیرد تا در وضع قوانین مالیاتی به آنها توجه کنند. در مرحله بعد، تدوین مقررات اجرایی نظیر آیین‌نامه‌ها نیز باید با عنایت به این اصول انجام پذیرد و سرانجام، هنگام اجرا نیز همین اصول می‌توانند و باید در فهم و تفسیر مقررات مالیاتی بدانها توجه شود.^۲ بر این اساس مشخص می‌گردد که اصول مالیاتی ازجمله عناصر ارزش‌گذاری هر نظام مالیاتی هستند. اصولی همچون اصل «توانایی پرداخت» و اصل «منفعت» در ناحیه وضع مالیاتی نمونه‌هایی از این اصول هستند.^۳

تا آنجا که به آیین اسلام مربوط می‌شود این نکته واضح است که در روزگار نخستین اسلام مهم‌ترین سرچشمه درآمد حکومت «خراج» بود و از راه آن هزینه‌های عمومی حکومت برآورده می‌شد. البته این خراج در زمان پیامبر (ص) اندک بود و تنها زمین‌های خیبر را در بر می‌گرفت.^۴ ولی در روزگار خلافت به سبب کشورگشایی‌های بسیار خراج زمین‌های ایران،

۱. علی، احمدی، محمد و رضا وفایی یگانه (۱۳۹۱) بررسی میزان مالیات‌های اسلامی در سبد هزینه‌ای خانوارها و پذیری میزان اثر آن از رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی"، پژوهشنامه مالیات، زمستان، شماره ۱۶، مسلسل ۶. ص ۳۶

۲. توکل، محمد، ۱۳۷۵، «حقوق ایران و اصول مالیاتی»، پژوهش‌نامه مالیات، ش ۱۲، ص ۲۲.

۳. ماسگریو، ریچارد و پگی ماسگریو، (۱۳۷۲)، مالیه عمومی در تئوری و عمل، ترجمه مسعود محمدی و یدالله ابراهیمی فر، تهران، سازمان برنامه و بودجه. ۳۰۷/۱

۴. بن هشام، عبد الملک بن ایوب الحمیری المعافری، أبو محمد، جمال الدین (ت ۲۱۳هـ)، (۱۳۷۵هـ - ۱۹۵۵ م)، السیره النبویه تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ الشلیبی، مصر، شرکه مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبی وأولاده. ۲۴۱/۲

عراق، شام، مصر، آفریقا و ... بزرگ‌ترین راه درآمد حکومت به شمار می‌رفت. واضح است که خراج مقدار به عنوان مالی است که برابر قرارداد بین حکومت اسلامی و کارکنان زمین از محصول زمین یا قیمت آن گرفته می‌شود و آن زمین باید از زمین‌های خراجی، یعنی از زمین‌هایی باشد که مسلمانان آنها را یا با قهر و غلبه و یا از روی مصالحه از دست کفار درآورده‌اند؛ البته مشروط به اینکه در زمان فتح آباد بوده و فتح نیز با اجازه حاکم اسلامی بوده باشد. تعیین اندازه خراج از روی اجتهاد و تصمیم‌گیری حاکم اسلامی است که با لحاظ کردن مصالح و منافع عمومی و احتیاجات اجتماعی و نیز با توجه به سبک زندگی و میزان درآمد خراج‌دهندگان میزان آن را تعیین می‌کند و خراج‌دهندگان نیز موظفند آن مبلغ را بپردازند.

تا اینجا می‌توان چنین گفت که

مالیات‌های اسلامی با مالیات متعارف تفاوت‌هایی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. عبادی بودن مالیات اسلامی. در حالی که مالیات متعارف به موجب قانون بوده و همانند مالیات اسلامی وظیفه دینی تلقی نمی‌شود؛ انسان اقتصادی با کردار دینی فرار مالیات اسلامی را نوعی گناه می‌داند؛ اما فرار مالیاتی در مالیات متعارف، فقط نوعی تخلف قانونی محسوب می‌شود.

۲. مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی با توجه به مصارف آن (خصوصاً زکات و خمس) به جهت رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر به دنبال فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است؛ ولی مالیات اسلامی را نمی‌توان به عنوان ابزار سیاست تثبیتی و تخصیصی استفاده نمود.

۳. درآمد مالیاتی زکات در تولیدات کشاورزی و دامی به صورت کالایی است (بر اساس مقدار کالا) و به شکل کالایی توزیع می‌شود؛ بر همین اساس مالیات اثری بر تقاضای کل و آثار منفی مانند تورم بر اقتصاد ندارد. در صورتی که مالیات متعارف در اجزای مختلف مانند مالیات در مصرف کالا (مالیات فروش، یا مالیات واحد) بار مالیاتی و زیان اجتماعی ایجاد می‌کند و بر سطح درآمد، هزینه بنگاه، انتخاب خانوار اثرگذار بوده و تورم و کاهش رفاه را به دنبال دارد.

۴. در اقتصاد سنتی برای تسریع بهبود توزیع درآمد مالیات‌های تصاعدی پیشنهاد می‌شود در

صورتی در عمل مشاهده شده نظام مالیاتی تصاعدی قانونی به ندرت منتج به نظام‌های تصاعدی موثر شده‌اند و اغلب به خاطر تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین گروه‌های پرداخت‌کننده مالیاتی منجر به نابرابری‌های افقی اساسی شده‌اند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد اثر توزیعی مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف بیشتر می‌باشد و مالیات‌های اسلامی علی‌رغم دارا بودن نرخ یکنواخت به واسطه معافیت‌های در نظر گرفته شده مالیات‌های تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم می‌باشند.

۵. در مالیات اسلامی لازم نیست که مالیات به دولت پرداخت شود بلکه شخص پرداخت‌کننده جایز است که (با اجازه حاکم شرع یا مرجع تقلید) در مصارف یادشده خرج کند؛ اما در صورتی که حاکم اسلامی دستور دریافت زکات را صادر کند، بر همه مؤدیان واجب است که آن را به دولت پرداخت کنند؛ اما در مالیات‌های متعارف، جمع‌آوری مالیات و مصرف آن، جزء اختیارات دولت است.^۱

بر اساس آنچه گفته شد مشخص می‌گردد که در مالیات اسلامی عدم اقدام فرد به پرداخت مالیات از دو زاویه قابل بررسی است:

(۱) گناه بودن عدم پرداخت مالیات در آن دسته از مالیات‌هایی که همانند خمس و زکات ذاتاً دینی به شمار می‌روند،

(۲) تخلف بودن عدم پرداخت مالیات در آن دسته از مالیات‌هایی که حاکم اسلامی به فراخور وضعیت عمومی جامعه تشخیص می‌دهد که بر شهروندان جامعه مقرر نماید.

زیرا بر اساس یک دیدگاه مالیات‌ها در اسلام در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- مالیات‌های ثابت

۱. پورفرج، علیرضا و انصاری سامی، و حبیب (۱۳۹۰)، نقش مالیات اسلامی زکات در رشد و توسعه اقتصادی در مقایسه با مالیات‌های متعارف، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، قم، دانشگاه مفید. ۹۳-۹۶.

- مالیات‌های متغیر

مالیات‌های ثابت: مالیات‌هایی است که بر حسب تشریع اولی و مستقیماً از طرف شارع وضع شده‌اند و مورد و مقدار و یا نسبت خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. این مالیات‌ها شامل موارد زیر است: زکات، زکات فطره، زکات اموال، خمس، و ...^۱

مالیات‌های متغیر: مالیات‌هایی هستند که حاکم اسلامی در موارد و شرایط خاصی وضع نموده و از طرف شارع مقدس، مقدار و نسبت خاصی برای آنها در شرع مقدس در نظر گرفته نشده است؛ بلکه تابع هزینه‌های ضروری و یا مطابق مصلحتی است که حاکم اسلامی در نظر دارد.^۲ به عبارت دیگر مالیات متغیر، ابزاری است که در شرایط متحول، به حاکم اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن، مشکلات برطرف گردد و در مواردی که هماهنگی و همسو با حرکت نظام اسلامی است، به کار گرفته شود.^۳ این مالیات‌ها که تحت عنوان مالیات‌های حکومتی نام برده می‌شود، بسیار محدود بوده و سهم ناچیزی را دربر می‌گیرد. اخذ مالیات‌هایی تحت عنوان زکات مال التجاره در زمان پیامبر و برخی خلفا، وضع مالیات بر اسب‌ها در زمان حضرت علی (علیه‌السلام) و غیره از جمله مالیات‌های حکومتی هستند.^۴

بنابراین، واضح است که در هر دو مورد فرد در صورت عدم اقدام به پرداخت مالیات مربوط، از یک سو گناهکار، و از سوی دیگر متخلف و مجرم قلمداد می‌گردد. البته تحقق این مسئله زمانی است که اصل مالیات مورد قبول باشد زیرا چنانچه در متن پژوهش به تفصیل بیان خواهد شد برخی از فقها و متفکران اسلامی مسئله مالیات را آن گونه که در محافل اقتصادی و

۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت. ص

۳۵۳

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سمت. ص

۳۸۳

۳. لشکری، علیرضا، نظام مالیاتی اسلام، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، پژوهشگاه فرهنگ

و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷

۴. غفاری، هادی، (۱۳۸۶)، نظام اقتصادی صدر اسلام، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴.

سیاسی موضوعیت پیدا کرده است، نمی‌پذیرند و برای این رویکرد ادله و رهیافت‌های خاصی را ارائه نموده‌اند.

با این حال، در پژوهش حاضر و پذیرش حجیت مالیات، بیان شد که عدم تأدیه‌ی مالیات به هر نحو و گونه‌ای مایه‌ی ایجاد ضرر و زیان به زندگی جمعی می‌گردد و بر اساس قاعده‌ی لاضرر نمی‌توان آن را نادیده گرفت. از سوی دیگر، عدم پرداخت و تأدیه‌ی مالیات موجب می‌شود که طرح‌های ضروری، کلی، و کلان جاری در جامعه یا تحقق نیابند یا اینکه دچار رکود و تأخیر گردند و طبیعی است که بر اساس قواعد فقه اسلامی ما لا یتیم به الواجب فهو الواجب. لذا می‌توان این قاعده را به عنوان دومین دلیل از ادله‌ی اثبات جرایم مالیاتی به شمار آورد؛ چرا که بسیاری از برنامه‌های اجرایی و توسعه‌ای جامعه بدون وصول مالیات‌های مختلفی که در متن پژوهش به آنها اشاره خواهد شد، میسر و امکان‌پذیر نخواهد بود.

بر همین اساس مفاهیمی از قبیل: پرهیز یا اجتناب مالیاتی مطرح می‌شود که عبارت است از استناد مؤدی به راه‌ها و روش‌های قانونی قانونی به منظور کاهش میزان مالیات وضع شده بر وی یا ... مطرح می‌گردد که البته می‌توان برای آن سویه‌های مختلفی را قائل شد که برخی از آنها و لو با استفاده از خلأهای قانونی صورت می‌گیرد، برخی دیگر بر اساس روش‌های غیراخلاقی و با انگیزه سوء استفاده از خلأهای متون قانونی صورت می‌گیرد مه می‌تواند جرم و مجازات قانونی تلقی شود.

پرهیز از تأدیه‌ی مالیات به دلیل جهانی شدن (تجارت و باز بودن بازارهای مالی) و انحصار شرکت‌های بین‌المللی و فراملیتی که بیشترین سهم را در اقتصاد جهانی دارند، به بلای بسیاری از کشورهای جهان اعم از غنی و فقیر تبدیل شده است. اجتناب مالیاتی - مانند فرار مالیاتی - توانایی دولت‌ها را در تأمین مخارج عمومی محدود می‌کند، که کیفیت خدمات ارائه شده به شهروندان را تضعیف می‌کند، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و روند رشد و توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد. از سوی دیگر، اجتناب از مالیات منجر به یک پایه مالیاتی ضعیف می‌شود. بنابراین دولت مجبور است بار مالیاتی را بر شرکت‌ها و افرادی که راهی برای اجتناب از پرداخت مالیات پیدا نمی‌کنند، افزایش دهد. به نظر می‌رسد توجه دقیق‌تر